

رنگین کمان

از: دکتر عزیزاله سلیم پور
نیس - فرانسه

کبوتر با کبوتر، باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز

یهودی، فقط بخاطر یهودی بودنشان طعمه آتش و کوره های آدم سوزی گشتند. امروز نیز هستند کشورهایی که سرانش بخود اجازه میدهند به مردمشان بگویند چگونه باید بپوشند، چگونه نباشند، چه بخورند و چه ننوشند! به چه نوع موسیقی گوش دهند و به کدام یک گوش ندهند... و همجنس گرایان را هر وقت پیدا کنند به چوبه دار میکشند و یا با شکنجه های دیگر نابود میکنند. شاید پیش از رسیدن به اصل این مقاله بجا باشد تا چند سطری در مورد همگرایی جنسی بنویسم.

بنا بنظریه روانشناسان، اولین طرف گرایش هر کودک، چه دختر و چه پسر، مادر اوست. یعنی در حقیقت این مادر است که قبله عالم و مرجع تقلید نوزاد است. در مرحله جلوتر کودک توسط کلام پدر از در آمیختگی با مادر جدا میشود. پدر مرجع تقلید پسر میشود و دختر از او ایده آل میسازد که روزی هم وصل او شود.

اگر بخواهم هزاران برگی که در مورد همجنس گرایی نوشته شده را در چند سطر خلاصه کنم، باید با زبان «برزره» روانپزشک و روانکاو فرانسوی بگویم.

خارج از هم گرایی های نوزادی و به اصطلاح ژنتیک، میتوان چهار گونه از علل همجنس گرایی اکتسابی را در مردان ذکر کرد.

- رفتار پدر بگونه ای است که پسر از شبیه بودن به او بیزار میشود و همیشه بدنبال پدری ایده آل میگردد.
- رفتار پدر بگونه ای است که پسر خود را قابل و قادر شبیه به او شدن نخواهد یافت.
- رفتار مادر طوری است که پسر را بصورت سمبولیک اخته میکند.
- رفتار مادر چنان است که پسرش تمام زنهارا بسان وی بصورت مقدس نگرسته بخود اجازه نزدیکی به آنان را نمیدهد.

حالا چرا دو برادر از یک پدر و مادر، یکی همجنس گرا میشود و دیگری نمیشود را خدا میداند و بس.

البته تمام اینها بصورت ناخودآگاه در تمام افراد کم و بیش وجود دارد ولی شدت آنها میتواند علتی برای هم گرایی باشد. لازم است اضافه کنم این گرایش در بعضی چنان دردناک و غیر قابل قبول است که با استفاده از یک مکانیسم دفاعی روانی آنرا تبدیل به عداوت و کینه شدید از همجنس گراها میکنند و حتی

در دوران کودکی در دبستان دولتی «شمس» در اصفهان، حداقل یکی دو بار بنا بدستور آموزگار بر روی شعر بالا انشائی نوشته ام. در آن زمان هرگز تصور نمیکردم که روزی این شعر سرآغاز نوشته ای شود که انگیزه اش را در تل آویو پیدا کنم!

من از خصوصیات زندگی سعدی هیچ نمیدانم و از گرایش های جنسی او بی خبرم، اما بنظر من این بیت از کشایش و هم جنس گرایی خودآگاه یا ناخودآگاه او پرده بر میدارد!

سعدی یک شاعر معمولی و یا دست دوم نیست که واژه ای را بیهوده و یا بجای دیگری بکار برد. او خداوند کلام است. وقتی میگوید «منت خدای را عزوجل که طاعش موجب قربت است و به شکراندرش مزید نعمت» هیچ شاعر یا نویسنده ای نمیتواند این معنای بلند را بطور فشرده تر یا خلاصه تر و یا سلیس تر بیان کند و یا کلامی را جابجا کند!

بهمن ترتیب وقتی میگوید «کند همجنس با همجنس پرواز» البته معنی روشن و ظاهری آن اینست که معاشرت با افرادی که دارای ارزشهای اخلاقی و فرهنگی یکسان هستند نیکوست. اما در پشت این معنی روشن، معنی عمیق تری که در پیچ و خم های تاریک روان ناخودآگاه شاعر پنهان است چشمک میزند! او معنی جنس را میداند؛ جنس که بزبان فرانسه Genre گفته میشود یا مذکر است یا مؤنث و در بعضی زبانها مثل آلمانی خنثی. اگر منظور واقعی سعدی آن بود، او میتواندست برای شعر خود از واژه دیگری مثل نوع و یا کلامی دیگر استفاده کند ولی اینکار را نکرده و میگوید همجنس با همجنس باید برود! به عبارت دیگر شعر سعدی خواسته یا ناخواسته از همجنس «بازی» یا بعبارت دیگر «همجنس گرایی» او پرده بر میدارد! حال شاید برخی بگویند اگر چنین بود چرا سعدی بزرگ بروشنی از این گرایش سخن نگفته؟! سخن نگفته؟!!

بهر حال گرایش های جنسی هر انسان چه مادرزادی چه اکتسابی مربوط بخود اوست و تا آنجا که آزاری به دیگران نمیرساند هیچکس حق مداخله و یا قضاوت اخلاقی در آن را ندارد.

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت
که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

در قرون وسطی و در زمان رایش سوم، صدها هزار نفر انسان بیگناه فقط بخاطر گرایش های جنسی شان همراه با میلیونها

حاضر به مرگ آنان شده گاهی فراتر میروند و عامل قتل آنان میشوند.

یونگ روانکاو بزرگی که پس از یک دوران همکاری با فروید از او جدا شد و مکتب خودش را پایه گذاری کرد میگوید:

در هر مردی گوشه ای از زنانگی بنام «انیم» (Anima) و در هر زنی بخشی از مردی «آنیموس» (Animus) وجود دارد.

بهر حال خواهش میکنم از من نپرسید چگونه میتوان رفتار یک پدر و یا مادر ایده آل را داشت تا فرزندان از یک اعتدال روانی برخوردار باشند.

فروید میگوید: سخت ترین مشاغل، پدر یا مادر بودن است.

و من با اجازه شما اضافه میکنم:

پدر و مادرهای ایده آل را فقط در گورستانها میتوان جستجو نمود.

جمعه گذشته در شهر تل آویو، برگزاری یکی از بزرگترین گردهم آنی های جهانی هم جنس گرایان بود و بنا بر گزارش جروزالم پست بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر از همه نقاط جهان در این گردهم آنی شرکت داشتند. توصیف آنچه من در خیابانهای بزرگ این شهر دیدم بسیار مشکل است. اولاً در گوشه و کنار شهر رنگهای طیف نور و با واژه زیباترین رنگین کمان بچشم میخورد. پرچم های کوچک و بزرگ ۷ رنگ، توبها و بادکنک ها، چترها و بادبزن ها و حتی شیرینی های لذیذ ۷ رنگ که چشمان را نوازش میکردند و انسان شیرینی دوستی چون مرا بسوی خود میخواندند.



نمیدانم چگونه گروهی از زیبایی این گردهم آنی را بصورت زنده برایتان توصیف کنم. شاید کسانی که کارناوالهای اروپا را مثلاً در نیس دیده اند بتوانند تصویری از آن را تجسم کنند. برای کسانی که تابحال این کارناوال و یا کارناوال ونیز در ایتالیا را ندیده اند شاید چیزی شبیه به مراسم سینه زنی در اصفهان در زمان کودکی من که بمناسبت تاسوعا و عاشورا انجام میگرفت بی مورد نباشد؛ که زیاد هم جای تعجب نیست. شاید بدانید که مراسم سینه زنی و قمه زنی در دوران صفویه در قرن شانزدهم از

ایتالیا به ایران وارد و مرسوم شد.

البته باید گفت که اینجا برخلاف مراسم سینه زنی، بجای لباسهای سیاه لباسها همه رنگارنگ بودند و کمرها و سینه های لخت نه برای دریافت ضربه و زنجیر یا قمه بلکه برای نمایش آزادی و بهره بردن از اشعه روح بخش آفتاب بود.

در مراسم سینه زنی ها، تختی در میان انبوه راه پیمایان در حرکت بود که افرادی بر روی آن بسان صحنه تماشاخانه نقش قربانیان و سفاکان ماجرای کربلا را بازی میکردند. دیروز اینجا بر روی ارابه های چندین متری، دختران و پسران نیمه برهنه، همراه با موسیقی که از بلندگوها پخش میشد، رقص و پایکوبی میکردند.



فکر نکنید همه شرکت کنندگان در این تظاهرات همجنس گرا بودند! نه، بسیاری نیز کوچک و بزرگ، زن و مرد، پسر و جوان، سیاه و سفید و حتی عده ای با چشمان بادامی از خاور دور و حتی چندین نفر با عرقچین های مذهبی، فقط بخاطر شرکت در یک جشن و شادی آنجا حضور داشتند. برای آنان امیال جنسی بر گزار کنندگان این جشن در مرحله دوم قرار داشت. منظور در خوشی دیگران شرکت کردن و به خوشی آنان خوش بودن بود.

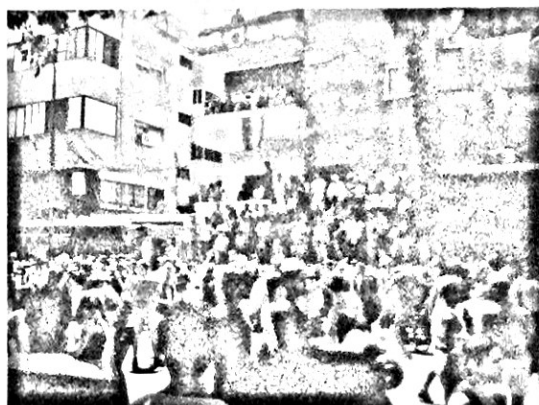
نام خیابانهای که هنگام عبور بچشم میخورد نیز برای من از نظر سمبولیک جالب بود. خیابان «امیل زولا» نویسنده معروف فرانسه که مقاله «من متهم میکنم» او سرآغازی برای اثبات بیگناهی «دریفوس» افسر عالی رتبه فرانسوی یهودی بود. خیابان «ژان ژورس» قهرمان و آزادیخواه دیگر فرانسه...

حضور چند زوج عاشق در جلوی در یک کنیسا این بیت از حافظ را در نظم تداعی میکرد:

همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست
همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کشت

نمیدانم از میان عکسهای رنگینی که برای پیام میفرستم خانم دیلماتیان کدامها را انتخاب میکنند که با چاپ سیاه و سفید جالب باشد. بهر حال خواهید دید که تا طبقه پنجم مردم روی بالکن ها به تماشا و شرکت مستقیم یا غیر مستقیم در این شادی سهیم بودند.

شاید در میان عکسها، ستاره داود که مظهر کشور اسرائیل و معمولاً روی پرچم سفید و آبی است را بروی پرچم ۷ رنگ همجنس گرایان مشاهده کنید. راستی این رنگین کمان که در اثر تجزیه نور سفید خورشید است، همجنس گرایان چرا آنرا انتخاب کرده اند؟!



در فرودگاه تل آویو با گروهی از زنان و مردان مسلمان که از زیارت مسجد عمر در اورشلیم به مناسبت عروج حضرت محمد (ص) باز میگشتند برخورد کردم و با هم گفتگوئی صمیمانه داشتیم.



با دیدن روسری های رنگارک زنها در حالیکه بعضی از مردها در محوطه فرودگاه به آزادی نماز میگذارند، با خود گفتم شاید منظورشان این است که «خورشید برای همه میدرخشد...»
تل آویو - ۱۷ ژوئن ۲۰۱۲